

## یادگاری

در روزهای آخر این جهان قرار است نهضتی برپا شود و مرزده مخصوصی به اقصای جهان رسانده شود. این پیغام باید ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم متنبه سازد و بگوید «از خدا بترسید و او را حمد گوئید زیرا که ساعت داوری او آمده است. او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه ها را آفرید پرستش نمائید.» (مکاشفه ۱۴:۶ و ۷). خالق را بپرستید. زمان داوری او رسیده است. مرزده حیات بخش را به یاد آورید. خداوند عالم چطور می خواهد او را بیاد آوریم؟ آیا هیچ به مبدأ هفته هفت روزه پی برده اید؟ معلومست روز و شب از گردش زمین دور محور خود ایجاد می شود. هرگاه ماه یک مرتبه به دور زمین بگردد یک ماه تمام میشود. سال هم از گردش کره زمین دور خورشید بوجود آمده و چهار فصل پیدا میشود. ولی هفته هفت روزه با فرمان ایزدی به وجود آمد. البته شب و روز و ماه و سال هم با فرمان پروردگار خلق گردید. بحثی در هفته نیست. باید آنرا با ایمان قبول کنیم. خداوند صاحب زمان و مکان است. چون زمان خارج از کنترل بشر می باشد خداوند یک قطعه آن را نشان قدرت و توانائی خود تعیین کرده است. برای یاد آوری مردم عمارات یا مجسمه ها یا ستونهای بنا میکنند. ولی خداوند یاد بودی از زمان مقرر فرمود تا خالقیت او فراموش نشود. دیگران می توانند عمارت یا مجسمه یا ستون سنگی را خراب کنند و تعداد بی شماری از آنها نیز تا کنون مضمحل شده اند ولی کسی چون دسترسی به زمان ندارد خداوند هفته هفت روزه را و علی الخصوص روز سبت را به عنوان یادبود ابدی محفوظ می دارد. «ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی

سته ایام ثم استوی علی العرش» (سوره الاعراف آیه ۵۴) براستی پروردگار شما خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش استیلا و تسلط دارد.

هفته شامل هفت روز است. هفتمین روز هفته نشان و یادبود خالق است و نوع بشر را امر فرمود تا در آن روز همه به حضور وی آمده او را چون آفریننده خود اقرار و تمجید کنند. هم خلقت و هم حکم از اوست. خدا روز یادگاری را خلق کرد و هر بار که آن روز می آید باید او را چون خالق ستایش کنیم. تا موقعی که مردم این وظیفه را انجام می دادند بت پرستی و بی دینی امکان نداشت بین مردم رخنه کند زیرا که بخشاینده نیکوکارها و زمان را اقرار میکردند.

#### ۱ - برگشت گاه خلقت

حضرت موسی که از خدا وحی گرفته گزارش خلقت را برای دودمان عالم یاد داشت کرده چنین گفت: «و آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد. و در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود فارغ شد و در روز هفتم از همه کاری که ساخته بود آرامی گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آنرا تقدیس نمود زیرا که در آن آرام گرفت از همه کار خود که خدا آفرید و ساخت.» (پیدایش ۲: ۱-۳).

بعضیها ادعا می کنند که روزهای خلقت دورانیهای طول و درازی بودند. در پاسخ آنان اشاره ای به روز سبت می کنیم که دلیل بر روزهای عادی همچون روزهای بیست و چهار ساعته کنونی می باشد. به سؤالی که در این موضوع کرده توجه کنید: «الله الذی خلق السموات و الارض و مابینهما فی سته ایام ثم استوی علی العرش. . . افلا تتذكرون.» (سوره

السجده آیه ۴). خداست آنکه آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش مستولی شد . . . آیا پند نمی پذیرید؟ (یاد آورید).  
این کلمه چطور مکرراً استعمال می شود - تتذکرون (یاد آورید)  
حتماً بی دلیل نیست. آیا ممکن نیست خدا بداند مردم خالقیت او را به دست فراموشی خواهند سپرد؟ حکم یاد آوری خالق حکم عجیبی است و خدا می خواهد آن را یاد کنیم. خداوند خود بر الواح نوشت «اذکر یوم السبت لتقدس» (یاد کن روز سبت را تا آنرا تقدیس نمائی).

## ۲ - نماز جمعه

از جمعه چه می توان گفت؟ روزهای جمعه به مسجد رفتن و نماز خواندن خوبست. روز جمعه به مسجد رفتن و نماز خواندن مانع یاد آوری خالق در روز بعد نمی باشد. فرمان اینطور داده شده است: «مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل احمار یحمل اسفارا بس مثل القوم الذین کذبوا بایات الله» (سوره اجمعه آیه ۹) - گرهی که تورات بر ایشان بار شد سپس آن بار را بر نداشتند بد گروهی اند همچون مثل درازگوش است که کتابهایی را بردارد.

دعا و نماز مقام به خصوصی در عمر هر فردی باید داشته باشد. روز جمعه روز تدارک است و یکی از مهمترین قسمتهای تدارک نماز می باشد. خوب و واجب است مردم در جاهای معین جمع شوند تا خدا را در نماز بیاد آورند و روحاً برای برکات یوم السبت که یادگاری خلقت می باشد آماده شوند.

از زمان حضرت آدم به این طرف خداوند با بنی آدم پیمانی داشته است. اگر انسان خالق خود را به یاد آورد و او را خدمت و

اطاعت نماید از چیزی نخواهد ترسید که خداوند هر چه برای صلاحیت او باشد تهیه خواهد نمود. ولی متأسفانه ابوالبشر پیمان را شکست و روح بی اطاعتی بر تمام ذریتش منتقل شد. برداشتن چیزی که از آن خود نبود و به او داده نشده بود دزدی محسوب گردید و حضرت آدم و حوا از باغ عدن به سبب سرکشی بیرون افکنده شدند و مستوجب مرگ گردیدند.

قرنها بعد حضرت ابراهیم نسبت به اوامر پروردگار مطیع بوده بوی شهادت داده شد که «ذریتت را مانند ستارگان آسمان کثیر گردانم و تمام این زمینها را به ذریت تو بخشم و از ذریت تو جمیع امتهای جهان برکت خواهند یافت زیرا که ابراهیم قول مرا شنید و وصایا و اوامر و فرایض و احکام مرا نگاه داشت.» (پیدایش ۲۶:۵۴).

آری پیمانی که با حضرت ابراهیم خلیل الله بسته شد به دلیل مطیع بودن وی بود. هر هفته یادگاری خالق را بجا می آورد.

به مرور زمان اولاد حضرت ابراهیم زیاد شدند و رفته رفته نوادگانش از یاد خداوند غفلت ورزیدند تا خداوند پیغمبر دیگری را بنام حضرت موسی فرستاد تا احکام نامبرده را نه فقط شفاهاً بلکه کتباً بر الواح سنگ بدیشان بدهد. در قلب این احکام حکم یادگاری را نقش کرده است. طولی نکشید که قوم یهود نیز این پیمان را شکستند و ارزش آن و نتیجه پیمان شکنی در قرآن (سوره البقره آیات ۶۳-۶۶) قید شده است:

(ترجمه فارسی) «و نیز آن زمان را که از شما پیمان گرفتیم و آن کوه را بالای سر شما افراشتیم و کتاب توراتی که بشما دادیم محکم بگیرد و آنچه در آن است بخاطر بسپارید تا آنکه شما پرهیز کنید. آنگاه از پس آن عهده‌ی که کردید روی برنافتید، اگر فضل و رحمت خدا شامل

حال شما نبود مسلماً از جمله زبان کاران بودید. بخدا سوگند آنان را که از ملت شما در روز شنبه از حد فرمان درگذشتند شناخته آید و بایشان گفتیم که بوزینگانی خوار و بی مقدار باشید و آن عقوبت را عبرتی برای جماعتی که با آنان بودند و کسانی که از پس ایشان می آیند و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم.»

رفتار آنان بنا بود عبرتی برای ایمانداران بعدی باشد. در نتیجه شکستن پیمان و فراموش کردن پروردگارشان لعنتی سخت بر قوم نازل شد. از تجربه آنان ما باید عبرت گیریم زیرا که پیمان خداوند سال به سال و دوره به دوره تغییر نمیکند بلکه از زمان ابوالبشر تا روز واپسین یکسان است. خالقیت خداوند با مرور زمان ذره ای کمتر یا از اهمیتش اندکی کاسته نمی شود. احکام خداوند امروز همچون زمان حضرت موسی فرقانیست تا خوبی را از بدی تشخیص دهیم. «و لقد اتینا موسی و هرون الفرقان وضیا و ذکراً للمتقین» (سوره الانبیا آیه ۴۸) - بیگمان موسی و هارون را فرقان (کتابی جدا کننده حق از باطل) و روشنائی و یاد آوری برای پرهیزکاران عطا کردیم.

بار دیگر کلمه ذکراً (یاد آوری) به کار برده می شود. امروز همانند ایام حضرت موسی مردم هر طبقه، خالق را و یادگاری او را فراموش کرده اند. حکم خالق پابرجاست که می فرماید «روز سبت را یاد کن.»

آیا خداوند احکام دیگری برای اداره مردم در قرن بیست و یکم فرستاده است؟ آیا معنی خوب و بد، صواب و خطا، تغییر یافته اند؟ آیا وحدانیت و یاد آوری خالق و دروغ گفتن و دزدی کردن فقط در زمان حضرت آدم یا ابراهیم یا موسی گناه محسوب میشد؟ «سنه من قد

ارسلنا قبلک من رسلنا و لا تجد لستتنا تحویلاً (سوره الاسراء آیه ۷۷) - همچون طریقه ما در راه پیامبران که پیش از تو فرستادیم و روش ما را تغییری نیایی.

بت پرستی در زمان حضرت ابراهیم گناه بود - و امر الهی نسبت به آن گناه عوض نشده است. امروز هم زنا و غفلت به طوری که خالق امر فرموده است خطا محسوب می شود. کسی که به خدا تسلیم شده است حکم چهارم را مثل دیگر احکام حفظ خواهد کرد.

طبق نوشته قرآن مجید، آدم و نوح و ابراهیم و موسی و ایوب و داود و سلیمان و یوسف و الیاس و یحیی و عیسی، همه مسلمان بودند و به وسیله خداوند هدایت می شدند. همه روز سبت را چون یادگاری خالق رعایت میکردند. آیا سزاوار است مؤمنین قرن بیست و یکم آنرا نادیده بگیرند؟ دعوت خدا همواره برای یاد آوری خالق بوده است.

### ۳ - فرقان خدا یا گفته مردم؟

بعضی مسیحیان ادعا می کنند که مسیح حکم روز هفتم را عوض کرد. ولی خود مسیح تصدیق میکند که پیمان ابدی را هرگز عوض ننموده اهمیتش را کم نکرده است. وی تأکید نمود: «فکر نکنید که من آمده ام تا تورات و نوشته های پیامبران را منسوخ نمایم. نیامده ام تا منسوخ کنم بلکه تا به کمال برسانم. یقین بدانید که تا آسمان و زمین بر جای هستند هیچ حرف و نقطه ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه آن تحقق یابد. پس هرگاه کسی حتی کوچکترین احکام شریعت را بشکند و به دیگران چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی پست ترین فرد محسوب خواهد شد: حال آنکه هر کس شریعت را رعایت کند و به دیگران نیز

چنین تعلیم دهد در پادشاهی آسمانی بزرگ خوانده خواهد شد.» (متی ۱۷-۱۹).

عیسی بن مریم پیغمبر عدالت بوده راه راست یا صراط مستقیم را به مردم می آموخت. ملاحظه کنید نمونه رفتار و عادت او چگونه بوده است: «به این ترتیب به شهر ناصره، جایی که در آن بزرگ شده بود، آمد و در روز سبت طبق معمول (یا بحسب دستور خود) به کنیسه رفت و برای قرائت کلام خدام برخاست.» (لوقا ۴:۱۶).

تمام انبیا از آدم تا عیسی روز سبت را چون یادگاری خلقت حفظ میکردند. همه عادل بودند و طرز زندگیشان عبرتی برای ایمانداران هر دوره میباشد.

بسیاری از مردم عقاید دینی خود را از پدرانشان به ارث برده اند. این روش ممکنست جز پاره ای از رسوم اجتماعی بیش نباشد و با گذشت قرن‌ها از اصل حقیقت فرسنگها دور شده باشد. آیه ذیل خطر پیروی نمودن از هر گونه خرافات را بخوبی بیان میکند: «و اذ اقبل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول قالوا حسبنا ما وحدنا علیه ابائنا اولوکان ابواهم لا یعلمون شیئاً و لا یهتدون» (سوره المائده آیه ۱۰۴) - و آندم که به ایشان گویند بسوی آنچه خدا فرستاده و بسوی پیغمبر بیائید گویند روشی را که پدران خویش را در آن یافته ایم ما را بس است اگر چه پدران ایشان چیزی نمیدانستند و نه راه یافته بودند. هر فردی یمسئول خواندن و تحقیق کتب است تا مطمئن شود که خداوند چه فرمانی داده است: «یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذا اهتدیتم الی الله مرجعکم جمیعاً قبینکم بما کنتم تعملون» (سوره المائده آیه ۱۰۵) - ای کسانی که گرویده اید بر شما با نگهداری نفس

خویشتن بیراهی هر که از راه گم گشت چون شما راه یافته باشید به شما زبان نرساند. بازگشتن همه شما بسوی خداست آنگاه شما را به آنچه پیوسته میکردید خبر خواهد کرد.

خطر تقلید طوطی وار از پدران تکرار می شود: «و اذ اقبل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ابائنا او لوكان الشيطان يدعوهم الي عذاب السعير» (سوره لقمان آیه ۲۱) - و چون ایشان را گویند آنچه را که خدا فرو فرستاده پیروی کنید گویند: بلکه آن کیشی که پدران خویش را بر آن یافته ایم بر پی آن میرویم آیا اگر دیو سرکش ایشان را بسوی عذاب سوزان بخواند.

احادیث و رسوم گذشتگان ممکنست درست نباشد. هر مؤمنی خود باید تحقیق کرده بدانند کلام خدا چه امری میدهد نه آنچه علماء در باره آن نوشته اند. خداوند به زبان مردم پیغام فرستاده است و تفسیر کسی در آن باره لازم نیست.

«يا ايها الذين اوتوا الكتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل ان نطمس وجوها فزدها على ادبارها او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبت و كان امر الله مفعولاً» (سوره النساء آیه ۴۷) - ای کسانی که به شما کتاب داده اند به آنچه که فرو فرستادیم در حالی که آن نورات و انجیلی که در دست شما است درست می شمارد ایمان بیاورید پیش از آنکه چهره هائی را بر ققائ آن باز گردانیم یا از رحمت خویش دورشان کنیم چنانکه یاران روز شنبه را از رحمت دور کردیم و همواره فرمان مقام خدا واقع شدنی است.

روز سبت در زمان و مکان مقام خاصی دارد. چون یادگاری خلقت است جز با عوض کردن خلقت محالست آن را تغییر داد. مثل روز تولد

کسیست که مثلاً در دهم آبان ماه به دنیا می آید. صد سال دیگر نمیتوانیم بگوئیم که فلان شخص در دهم آذر متولد شد. حتی یک روز هم نمی توانیم آن را پس و پیش کنیم - روز سبت را هم با روز دیگری نمی توانیم عوض کنیم. یادگاری خلقت باید مثل یک موضوع تاریخی به همان صورت حفظ شود.

«الله الذی خلق السموات و الارض و ما بینهما فی سته ایام ثم استوی علی العرش . . . افلا تتذکرون» (سوره السجده آیه ۴) - خداست آن که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش مستولی شد . . . آیا پند نمیپذیرید؟ (آیا یاد نمیکنید؟).

اصرار انبیا همواره این بوده که مردم به یاد آوری خالق برگردند. حکم چهارم عیناً در جزوه ضمیمه درس هفدهم نقل شده. لطفاً یک بار دیگر به آن رجوع کنید.

آیا به خاطر دارید راجع به ابراهیم و موسی و دیگر پیغمبران که روز سبت را حفظ می کردند چه دستور آمده است؟ «اولئک الذین اتیناهم الكتاب و الحکم و النبوه فان یکفربها هولاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین» (سوره الانعام آیه ۸۹) - این پیغمبران آنانند که خدا راهنمائیشان کرده از هدایت ایشان پیروی کن. بگو من برای تبلیغ رسالت از شما مزدی در خواست نمی کنم این تبلیغ من جز یاد آوری و تذکری برای جهانیان نیست.

انسان جزو گوسفندان و گاوان نیست که می خورند و تولید نسل میکنند و می میرند و از بین می روند. انسان اشرف مخلوقات است و می تواند خالق را سجده کند. این خاصیت او را از حیوانات جدا میکند.

شخصی می گوید از گجا معلوم است روز هفتم کدام یکی از

هفت روز است؟ برای ایرانیان و اعراب و بیشتر مردم جهان که روزها را شماره گذاشته اند هیچ اشکالی ندارد. شاید برای انگلیسیها که برای هر روز اسمی از ستارگان گذاشته اند سخت باشد ولی از هر بچه دبستانی هم که بپرسید بعد از شماره یک چه می آید؟ فوری می گوید «دو» اگر بپرسید «اول» یعنی چه؟ می گوید که عدد یک. بنابر این اگر یکشنبه روز اول هفته باشد روز هفتم ناچار روز ماقبل یکشنبه می باشد. منظور خداوند یک روز از هفت روز نبود بلکه روز هفتم یعنی شنبه بوده است. روز هفتم نتیجتاً روز شنبه است که قوم یهود از اول تاریخشان آنرا حفظ میکنند.

قوم یهود برای شکستن روز سبت سخت سرزنش شدند: «ثم تولیتهم من بعد ذلک فلولا فضل الله علیکم و رحمته لکنتم من الخاسرین و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قردة خاسئین» (سوره البقره آیات ۶۴ و ۶۵) - آنگاه از پس آن عهدیکه کردید روی بر تافتید، اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود مسلماً از جمله زیان کاران بودند. به خدا سوگند آنان را که از ملت شما در روز شنبه از حد فرمان در گذشتید شناخته آید و بایشان گفتیم که بوزینگانی خوار و بی مقدار باشید.

یهودیانی که خدا را فراموش کردند و روز سبت را بیحرمت کردند به بوزینگان تشبیه شدند. مثل حیوان بی شعور و بی فهم بودند. حیوانات قدرت دماغی برای پرستش خداوند را ندارند. آیه فوق با روزهای آخر رابطه مخصوصی دارد. علماً یکصد سال اخیر راجع به خلقت چه میگویند؟ آنها ادعا می کنند که اجدادشان اشرف مخلوقات نبوده بلکه پستاندارانی بزرگ چون بوزینه ها بوده اند. اگر فرضیه تکامل صحیح باشد

پس احتیاجی به خالق نیست و در نتیجه پیمانی هم وجود نداشته است. این طور به نظر می رسد که آیه فوق می گوید کسانی که عقلاشان نمیرسد خدا را پرستش کنند و آنانی که خالق را انکار میکنند بگذار در اشتباهشان باقی بمانند. بگذار خود را مثل میمون پندارند ولی بدانید که هفته هفت روزه و روز سبت بر قرار خواهد ماند.

#### ۴. علامت ایمانداران

مؤمنین حقیقی ایمان دارند که اجدادشان پیغمبران مقدسی بوده اند میدانند که در ابتدا ابوالبشر شخص حکیم و کامل توسط خالق آفریده شده است. روز سبت باو و نوادگانش داده شده. نافرمانی یهود «عبرتی برای جماعتی که با آنان بودند و کسانی که از پی ایشان می آیند و پندی برای پرهیزکاران قرار دادیم» این روز عبرتی بود نه فقط برای یهودیان بلکه برای کسانی که از پس ایشان می آیند که مؤمنان امروزه باشند. روز سبت بهیچ وجه منحصر به قوم یهود نبوده بلکه متعلق به تمام پرهیزکاران هر دوره و هر منطقه بوده است. آیا یاد آوری خالق منحصر به قوم یهود بود؟ مسیح فرمود «سبت برای انسان به وجود آمد» (مرقس ۲: ۲۷). سبت جهت هر شخصی که خود را «انسان» بداند مقرر شد. اولین پیغمبر، حضرت آدم، روز سبت را حفظ می کرد. تعیین روز سبت تقریباً در هزار سال قبل از اولین شخص یهودی انجام شد بنابر این از رسوم ملی یهودیان نیست بلکه از مقررات بشری است که در حین آفرینش جهان به وجود آمد.

در عهد جدید پولس رسول سالها پس از صعود مسیح گفت: «بنا بر این استراحت دیگری مثل استراحت روز سبت در انتظار قوم خداست.

زیرا هر کس به آرامش الهی وارد شود مثل خود خدا از کار خویش دست می کشد. پس سخت بکوشیم تا به آرامی او برسیم مبادا کسی از ما گرفتار همان نافرمانی و بی ایمانی که قبلاً نمونه از آن را ذکر کردیم بشود.» (عبرانیان ۹:۴-۱۱)

مبادا انسانها بخواهند در یادگاری خداوند مداخله ای نمایند چرا که آن را در آسمانها جای داد، تا هر ذی حیاتی آن را مشاهده کند. شروع و خاتمه هر روز سبت با غروب آفتاب معلوم میشود. موسی دستور داد «این برای شما سبت آرامی خواهد بود پس. . . از شام تا شام سبت خود را نگاه دارید.» (لاویان ۲۳:۳۲). روز سبت نصف شب شروع نمی شود تا محتاج به زنگ ساعت باشیم. غروب خورشید در عصر روز جمعه افتتاح روز سبت را به ایمانداران و بی ایمانان نشان میدهد و هنگام غروب آفتاب در روز شنبه خاتمه می پذیرد. ظاهراً فرقی بین روز سبت و روزهای دیگر وجود ندارد. فرقی در برکات روحانی گنجاینده شده است. توجه کنید ایمانداران از چه نعماتی برخوردار خواهند شد: «اگر پای خود را از سبت نگاه داری و خوشی خود را در روز مقدس من بجا نیاوری و سبت را خوشی و مقدس خداوند و محترم بخوانی و آن را محترم داشته به راه های خود رفتار نمائی و خوشی خود را نجوئی و سخنان خود را نگوئی آنگاه در خداوند متلذذ خواهی شد و ترا بر مکانهای بلند زمین سوار خواهیم کرد و نصیب پدرت یعقوب را بتو خواهیم خورانید زیرا که دهان خداوند این را گفته است.» (اشعیا ۵۸:۱۳ و ۱۴).

روز سبت علامت وفاداری انسان نسبت به آفریننده خود است: «من یهوه خدای شما هستم پس به فرایض من سلوک نمائید و احکام مرا نگاه داشته آنها را بجا آورید. و سبتهای مرا تقدیس نمائید تا در میان من

و شما علامتی باشد و بدانید که من بپوهه خدای شما هستم.» (حزقیال ۲۰:۱۹ و ۲۰).

نکته قابل توجه اینجاست که حتی پس از اتمام دوره گناه و برگذاری ملکوت سماوی، مخلوقات نجات یافته، در ادوار بی انتهای ابدیت ماه به ماه و سبت به سبت به حضور خداوند شرفیاب شده او را خواهند پرستید: «و خداوند می گوید که از غره ماه تا غره دیگر و از سبت تا سبت دیگر تمامی بشر خواهند آمد تا بحضور من سجده نمایند، زیرا خداوند می گوید چنان که آسمانهای جدید و زمین جدیدی که من آنها را خواهم ساخت در حضور من پایدار خواهد ماند همچنان ذریت شما و اسم شما پایدار خواهد ماند.» (اشعیا ۶۶:۲۲ و ۲۳).

روز سبت همچون علامت و راهنمایی است که در کنار صراط مستقیم قرار گرفته است و راه ورود به فردوس خدا را نشان میدهد. علامت ظاهریست که مؤمنان باوفا را از عموم مردم مشخص میکند یعنی علامتی که خدا را به روح و راستی سجده میکند.

## امتحان درس نوزدهم

۱ - آخرین مژده ای که خداوند به جهانیان فرستاده است این است: «از خدا بترسید و او را تمجید نمائید. . . او را که آسمان و زمین را آفرید پرستش نمائید.» خداوند میخواهد چه اشخاصی آن مژده را رعایت کنند؟

- ا- تمام قوم یهود ( )  
 ب- تمام مسیحیان ( )  
 ج- تمام مسلمین ( )  
 د- تمام بت پرستان ( )

۲ - یادگاری مخصوصی که خداوند برای یادآوری خلقت تعیین فرمود کدام است؟

- ا- روز جمعه - روز ششم هفته ( )  
 ب- روز شنبه - روز هفتم هفته ( )  
 ج- روز یکشنبه - روز اول هفته ( )

۳ - کدام جمله درست است؟

- ا- عیسی مسیح روز عبادت را از روز شنبه به یکشنبه تبدیل کرد ( )  
 ب- طبق دستور و نمونه مسیح او مؤمنین را تعلیم داد تا بدعت روز شنبه را حفظ کنند. ( )

ج- در تورات و انجیل و قرآن هیچ دلیلی پیدا نمیشود که روز

یادگاری خلقت به روز دیگری تبدیل گردیده باشد. ( )

د- در تمام کتاب مقدس دستوری یافت نمی شود که روز دیگری

غیر از شنبه را که روز هفتم هفته باشد تقدیس نمائیم. ( )